

تأثیر سیاست‌های تصدی‌گرایانه در توسعه اقتصادی (مطالعه موردی: زیمبابوه)

علی اردستانی^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان

حسین تبریزیان

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد نظری دانشگاه سمنان

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۰ - تاریخ تصویب: ۹۲/۱۱/۲۷)

چکیده

در دو دهه اخیر، شاید مهم‌ترین مسئله پیش روی دولت‌های مختلف جهان توسعه اقتصادی بوده باشد. این موضوع به‌ویژه برای کشورهای جهان سوم که هنوز در عقب‌ماندگی به سر می‌برند، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این کشورها، به دلیل نداشتن نهادهای اقتصادی و اجتماعی متناسب با توسعه اقتصادی، دولت همواره به ترسیم خط‌مشی‌های توسعه‌ای کشور پرداخته است و با اعمال سیاست‌های تصدی‌گرایانه به ابعاد توسعه‌نیافتگی افزوده است. در این مقاله، می‌کوشیم با تمرکز بر زیمبابوه در دوره رابرت موگابه تأثیرات این نوع سیاست‌های تصدی‌گرایانه در توسعه را بررسی کنیم. سیاست‌های تصدی‌گرایانه موگابه موجب شد بخش کشاورزی که گسترده‌ترین و اصلی‌ترین بخش اقتصاد این کشور بود از بین برود. در واقع، موگابه و گروه اتحاد ملی آفریقایی زیمبابوه نه تنها اقتصاد را با تورم حاد، فقر و قحطی ویران کردند، بلکه توان مدیریت اجرایی در این کشور را نیز از بین بردند. کشور زیمبابوه در این دوره نمونه‌ای از آبرتورم است.

واژگان کلیدی

آبرتورم، ایدئولوژی، تصدی‌گرایی، تورم، توسعه اقتصادی، دولت

مقدمه

در دوره جنگ سرد بسیاری از معادلات جهانی تحت تأثیر رقابت دو ابرقدرت آن زمان قرار داشت. این رقابت موجب شده بود تا اساسی‌ترین مسئله کشورها، یعنی توسعه اقتصادی، نیز به مسئله‌ای مربوط به این دو قدرت جهانی تبدیل شود؛ بدین معنا که در این دوره ما دیگر شاهد جنگی جهانی شبیه گذشته نیستیم، اما حوزه منازعه به کشورهای اطراف انتقال می‌یابد و قدرت‌های جهانی خواسته‌های خود را در این کشورها دنبال می‌کنند و هر یک می‌کوشد حقانیت ایدئولوژیکی خود را در این کشورها امتحان کند. یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در این دوره، مسئله توسعه و توسعه‌یافتگی بود. توسعه‌یافتگی به‌ویژه در آفریقا و آمریکای لاتین که در فقر شدیدی به سر می‌بردند، نتایج زیانباری داشت که حتی تا امروز نیز این کشورها نتوانسته‌اند خود را از چنگ آن رها سازند. تا جایی که به ما مربوط می‌شود، مسئله توسعه و توسعه‌یافتگی باید به موضوعی ایدئولوژیک تبدیل می‌شد که فقط از طریق انقلاب و حرکت‌های رهایی‌بخش و نه شیوه‌های اصلاح‌طلبانه و مسالمت‌جویانه می‌توانست صورت بگیرد. به همین دلیل، ما در این دوره شاهد انقلاب‌های بی‌شماری در کشورهای هستیم که همگی ادعای توسعه و پیشرفت داشتند (بنگرید به تافلر، ۱۳۷۰).

با پیروزی این انقلاب‌ها موضوع توسعه و پیشرفت سرلوحه کار دولت‌ها قرار گرفت. در این میان، شاید بتوان سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی را مهم‌ترین موضوعی دانست که در واقع به آزمونی برای این انقلاب‌ها تبدیل شد. بر همین اساس، در این مقاله دو پرسش عمده مطرح است: اول اینکه آیا فقط استقلال یک کشور یا به‌دست‌گیری قدرت از طریق حزب، گروه یا جبهه‌ای خاص می‌تواند به بهبود وضعیت توسعه اقتصادی و رفاهی آن کشور منجر شود؟ و دوم اینکه آیا با تکیه بر سیاست‌های از پیش تعیین‌شده و تصدی‌گرایانه می‌توان به پیشرفت و توسعه اقتصادی دست یافت؟ در این مقاله می‌کوشیم با تمرکز بر زیمبابوه به این سؤال‌ها پاسخ دهیم.

پیش از شروع بحث ضروری است تا منظور و معنای مورد نظر خود را از توسعه و توسعه اقتصادی روشن کنیم. چنان‌که می‌دانیم، تعریف توسعه برخلاف کاربرد بسیار زیادش آسان نیست و مکاتب مختلف فکری به فراخور خود تعریفی از آن ارائه می‌کنند. ما در اینجا بدون ورود به این مجادلات نظری، تعریف مورد نظر خود را از توسعه و توسعه اقتصادی بیان می‌کنیم که همیشه در ادبیات توسعه مترادف با مفهوم توسعه به کار برده می‌شود (در مورد ادبیات توسعه و توسعه اقتصادی بنگرید به: Schumpeter, 1934 & Myrdal, 1975).

به‌طور کلی، توسعه فرایندی چندبُعدی است که تفکر عموم مردم و ساختار جامعه و نهادها را به شکلی پویا تغییر می‌دهد که نتایج آن موجب بهبود ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی می‌شود. بر همین اساس، توسعه اقتصادی را می‌توان رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی، و اجتماعی دانست. اما صرف‌نظر از مفهوم توسعه، آنچه معنای دقیق این اصطلاح را روشن می‌سازد مجموعه شاخص‌هایی است که به‌طور معمول برای آن در نظر می‌گیرند. مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از: تولید ناخالص ملی (GNP) و درآمد سرانه (NI)؛ شاخص توسعه انسانی (HDI)؛ شاخص درآمد پایدار (SSI, GNA)؛ دسترسی به آموزش عمومی و بهداشت همگانی؛ تمرکززدایی و مشارکت؛ شاخص برابری قدرت خرید؛ و حضور فعال زنان در عرصه اجتماعی. در این مقاله به بررسی و توضیح این شاخص‌ها و تأثیر سیاست‌های تصدی‌گرایانه دولت در آن‌ها می‌پردازیم. بر همین اساس، در ابتدا اقتصاد سیاسی زیمبابوه را بررسی می‌کنیم و می‌کوشیم سیاست‌های تصدی‌گرایانه در این کشور را به‌طور مشخص روشن کنیم. سپس در ادامه به بررسی عینی شاخص‌های توسعه در این کشور و تأثیر سیاست‌های تصدی‌گرایانه در آن‌ها خواهیم پرداخت. در پایان نیز از آنچه گفته‌ایم نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

اقتصاد سیاسی زیمبابوه و نقش سیاست‌های تصدی‌گرایانه در آن

زیمبابوه در جنوب آفریقا قرار دارد و پایتخت آن هراره است. این کشور دوازده و نیم میلیون نفر جمعیت دارد که میانگین سنی آن‌ها ۲۰/۱ سال است و زبان‌های انگلیسی، شونا، و سیندبله زبان‌های رسمی آن است. این کشور در قرن نوزدهم میلادی به مستعمره انگلستان تبدیل شد. از سال ۱۹۶۵، کم‌کم تلاش‌ها برای استقلال در این کشور آغاز شد و سرانجام در سال ۱۹۷۰ جمهوری زیمبابوه به‌طور رسمی اعلام موجودیت کرد. زیمبابوه جزء آخرین کشورهای جنوب آفریقا است که به تدریج و با دشواری با نسلی وداع می‌کند که پس از انقلاب و مبارزه علیه استعمار به قدرت رسید.

کشاورزی حدود دوسوم نیروی کار را در برمی‌گیرد. منابع طبیعی شامل زغال سنگ، طلا، پنبه کوهی و نیکل است. محصولات صادراتی این کشور شامل پلاتینیوم، پنبه، تنباکو، طلا، آلیاژهای آهن و منسوجات است که به کشورهای آفریقای جنوبی (۲۴/۸ درصد)، جمهوری دموکراتیک کنگو (۱۷/۶ درصد)، بوتسوانا (۱۵/۷ درصد) و ایالات متحده آمریکا (۱۰/۴ درصد) صادر می‌شود و اساس صنایع آماده‌سازی را نیز تشکیل می‌دهد. محصولات وارداتی این کشور شامل ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات کارخانه‌ای، مواد دارویی و سوخت است که از

کشورهای آفریقای جنوبی (۴۰/۸ درصد)، زامبیا (۲۹/۶ درصد)، و ایالات متحده آمریکا (۴/۹ درصد) وارد می‌شود (بنگرید به: <http://en.wikipedia.org/wiki/Zimbabwe>)

باین‌حال، برای درک تحولات اقتصاد سیاسی این کشور باید از سال ۱۹۶۶ شروع کرد. در این سال و پس از اعلام استقلال یک‌جانبه (UDI) و به بن‌بست رسیدن مذاکرات دولت انگلستان با حکومت اسمیت (حاکم رودزیا)، درخواست تحریم اقتصادی رودزیا به سازمان ملل ارائه شد. در همین راستا، در سال ۱۹۷۰ دولت اسمیت این کشور را جمهوری اعلام کرد. البته در آن زمان فقط آفریقای جنوبی این جمهوری را به رسمیت شناخت. اما با وجود اعلام دولت جمهوری، طی همان سال‌ها، مبارزات پارتیزانی علیه دولت اسمیت شدید شد و در نتیجه این مقاومت‌ها، دولت وقت با توجه به فشار داخلی و خارجی، ناچار شد با اتحاد ملی آفریقایی زیمبابوه (ZANU) به رهبری رابرت موگابه و اتحاد مردم آفریقایی زیمبابوه (ZAPU) مذاکراتی را به منظور صلح و تقسیم قدرت آغاز کند. شایان ذکر است که در زمان اسمیت، وضعیت اقتصادی زیمبابوه مطلوب بود. سرانجام در آوریل ۱۹۷۹، در این کشور انتخاباتی برگزار شد که طی آن اتحاد مردم آفریقایی زیمبابوه به پیروزی رسید. در همان سال نام کشور به زیمبابوه تغییر یافت، جنگ داخلی پایان گرفت و تحریم‌ها برداشته شد تا اینکه در سال ۱۹۸۰ و در انتخاباتی دوباره که با نظارت انگلستان برگزار شد، موگابه و حزب متبوعش (ZANU) به قدرت رسیدند.

موگابه هم با کمک نیروی ارتش و ارتش مردمی که ساخته بود، توانست بر شورش‌های گاه و بی‌گاه فائق آید و همین مقدمه‌ای شد تا موگابه با کمک نیروی نظامی که در اختیار داشت، نه تنها بتواند شرایط سیاسی را ثبات بخشد، بلکه با گسترش قدرت خود در تمامی عرصه‌ها از اقتصاد گرفته تا اجتماع و فرهنگ، قدرت مطلق را در زیمبابوه به دست بگیرد. وی حتی توانست در سال ۱۹۸۸ دو حزب ZANU و ZAPU را در هم ادغام کند و خود ریاست حزب جدید را به عهده بگیرد و حزب ZANU-PF را تشکیل دهد. از آن پس، به‌رغم اعتراضات نهادهای بین‌المللی، در زیمبابوه تک‌صدایی حاکم بوده است و در عمل کسی جز موگابه و نزدیکان وی نتوانسته است در روند حرکتی این کشور تأثیرگذار باشد. پس بررسی عملکرد اقتصاد سیاسی زیمبابوه به‌طور مستقیم به بررسی عملکرد موگابه و تیمش برمی‌گردد (بنگرید به: Smith, 2009:37-79).

می‌توان به‌درستی ادعا کرد که زوال زیمبابوه پس از اعلام استقلال این کشور آغاز شده است که با حاکمیت موگابه و حزب متبوعش همراه بود، زیرا وضعیت اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی این کشور قبل از اعلام استقلال، از استقلال همواره بهتر بوده است و زیمبابوه طی تمام این سال‌ها در عمل به صورت مداوم به عقب رفته است. باین‌حال، روند نزولی این

کشور از سال ۱۹۹۹ به سقوط آزاد تبدیل شد و شیبی دوچندان به خود گرفت، زیرا در سال ۱۹۹۹ حزب حاکم ادعا کرد که سفیدها ۱ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، اما ۷۰ درصد زمین‌های قابل کشت این کشور را در دست دارند. تا آن زمان، زمین‌ها داوطلبانه خرید و فروش می‌شد، اما موگابه در سال ۲۰۰۰ زمین سفیدپوست‌ها را مصادره و آن‌ها را بین سیاه‌پوست‌ها توزیع کرد. این اقدام غیرقانونی، به کاهش صادرات کشاورزی منجر شد که تا پیش از آن بخش عمده صادرات این کشور را تشکیل می‌داد. در نتیجه، ذخیره ارزی زیمبابوه بسیار کاهش، و فقر و بیکاری بسیار افزایش یافت.

وضعیت حال حاضر زیمبابوه را شاید بتوان به این صورت خلاصه کرد که هم‌اکنون زیربنای مضمحل شده و خدمات زیربنایی مانند آب و برق و مخابرات فرو پاشیده و از بین رفته‌اند و فقر و بیماری وسیع و گسترده است. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۸، امید به زندگی (یعنی برآورد میانگین عمر در بدو تولد) از حدود ۶۳ سال در اواسط دهه نود به حدود ۴۳ سال کاهش یافته است. مرگ‌ومیر زنان بسیار بالا رفته است و علت آن به ترتیب عبارتند از مشکلات حین زایمان، ایدز، وبا، و سایر بیماری‌ها. هر هفته حداقل جسد بیست نوزاد یا جنین در فاضلاب‌های شهر هراره، پایتخت این کشور یافت می‌شود و یافتن بقایای اجساد نوزادان و کودکان در زیاله‌های شهری امری عادی است. دانشگاه‌ها و مدارس در عمل از استاد خالی شده‌اند و هر کس با اندکی توانایی از این کشور می‌گریزد. این کشور با فاجعه انسانی روبه‌رو است. فاجعه‌ای که سوءمدیریت گسترده و رعایت نکردن اصول و قوانین علم اقتصاد برای این کشور به ارمغان آورده است (طیبیان، محمد، تورم هزار درصدی، سایت رستاک).

این موارد سبب شدند تا این کشور در مواجهه با مشکلات و با توجه به اینکه موگابه یکی از نزدیکان خود را به ریاست بانک مرکزی منصوب کرده بود، بدون پشتوانه پول چاپ کند (پولی که پشتوانه‌اش فقط امضای رابرت موگابه بود) و این مسئله تا بدان جا پیش رفت که در ژانویه ۲۰۰۸ عرضه پول از ۸۱۱۴۳ درصد قبل از آن به ۶۵۸ میلیون درصد رسید (<http://www.fingaz.co.zw>). اقتصاددانان آن را اتفاقی نادر در تاریخ اقتصاد جهان می‌دانند که فقط در هنگام جنگ جهانی در مجارستان اتفاق افتاده بود.

در جدول ۱، عرضه پول در زیمبابوه را طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ می‌توان ملاحظه کرد.

جدول ۱. میزان عرضه پول در زیمبابوه

تاریخ	آگوست ۲۰۰۶	سپتامبر ۲۰۰۶	نوامبر ۲۰۰۷	دسامبر ۲۰۰۷	ژانویه ۲۰۰۸	ژانویه ۲۰۰۸	مارس ۲۰۰۸	ژوئن ۲۰۰۸
میزان عرضه پول (دلار)	۴۵	۳۵	۶۷	۱۰۰	۱۷۰	۸۰۰	۲۵	بیش از ۹۰۰
زیمبابوه)	میلیون	میلیون	تریلیون	تریلیون	تریلیون	تریلیون	کواردیلیون	کواردیلیون

این سیاست -یا بهتر بگوییم ناسیاست- انبساطی پولی موجب شد تا نرخ تورم این کشور به رقم باور نکردنی ۲۳۱ میلیون درصد در سال ۲۰۰۸ برسد که طبق بررسی اقتصاددان آمریکایی، استیو هنکه، در واقع بسیار بیشتر از این مقدار است و باید شاخصی جدا از CPI برای آن ساخته شود. بدین منظور، وی شاخص جدیدی معرفی کرده است. در این شاخص که به شاخص هنکه معروف شده است، نرخ تورم زیمبابوه برابر ۸۰ ضریب ۱۰ به توان ۲۱ ارزیابی شده است؛ نرخی که بنا بر بررسی هنکه باعث می شود قیمت‌ها به طور تقریبی در هر ۲۴ ساعت دو برابر شوند (Hanke, 2009).

در جدول ۲ کشورهایایی که در تاریخ اقتصاد دنیا دچار آبرتورم شده‌اند، به همراه میزان تورم آن‌ها و زمان مورد نیاز برای دو برابر شدن قیمت‌ها در این اقتصادها آمده است.

جدول ۲. آبرتورم‌های تاریخ اقتصاد جهان

کشور	تاریخ بالاترین نرخ تورم ماهیانه	بالاترین نرخ تورم ماهیانه	زمان مورد نیاز برای دو برابر شدن قیمت‌ها
مجارستان	جولای ۱۹۴۹	۱/۳۰ * ۱۰۱۶	۱۵/۶ ساعت
زیمبابوه	نوامبر ۲۰۰۸	۷۹/۰۰۶/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۷ ساعت
یوگسلاوی	ژانویه ۱۹۹۴	۳۱۳/۰۰۰/۰۰۰	۱/۴ روز
آلمان	اکتبر ۱۹۲۳	۲۹/۵۰۰ درصد	۳/۷ روز
یونان	نوامبر ۱۹۴۴	۱۱/۳۰۰ درصد	۴/۵ روز

Prof Steve H. Hanke, Febrauraay 5.2009

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، زیمبابوه هنوز به رکورد مجارستان اندکی پس از جنگ جهانی دوم نرسیده، اما توانسته است رکورد تورم یوگسلاوی طی جنگ جهانی دوم را بشکند و تورمی بالاتر از یوگسلاوی داشته باشد.

همچنین، در جدول ۳ می‌توان نرخ تورم ماهیانه در کشور زیمبابوه را به همراه شاخص قیمتی در بازه زمانی ۵ ژانویه ۲۰۰۷ تا ۲۴ اکتبر ۲۰۰۸ مشاهده کرد.

جدول ۳. نرخ تورم ماهیانه در زیمبابوه

تاریخ	نرخ تورم ماهیانه	شاخص قیمتی	نرخ تورم سالانه
۷-۵ ژانویه	۱۳/۷۰ درصد	۱/۰۰	
۷-۲ فوریه	۷۷/۶۰	۱/۷۸	
۷-۲ مارس	۷۶/۷۰	۳/۱۴	
۷-۵ آوریل	۵۶/۲۰	۶/۹۰	
۷-۴ می	۲/۱۵	۶/۷۵	
۷-۱ ژوئن	۲۰۷/۰۰	۲۰/۷۰	
۷-۶ جولای	۶۰/۴۰	۵۳/۰۰	
۷-۳ اوت	۷/۲۹	۴۹/۱۰	
۷ سپتامبر	۷۰/۶۰	۸۲/۵۰	
۷-۵ اکتبر	۱۶۵/۰۰	۲۱۹/۰۰	
۷-۲ نوامبر	۱۹۳/۰۰	۶۴۲/۰۰	
۲۸-۷ دسامبر	۶۱/۵۰	۲۰۱۰/۰۰	۲۱۵/۰۰۰ درصد
۲۵-۸ ژانویه	۱۱/۸۰	۲/۲۵۰/۰۰	
۲۹-۸ فوریه	۲۵۹/۰۰	۸/۲۶۰/۰۰	
۲۸-۸ مارچ	۱۱۵/۰۰	۱۷/۷۰۰/۰۰	
۲۵-۸ آوریل	۲۲۲/۰۰	۵۷/۱۰۰/۰۰	
۳۰-۸ می	۴۹۸/۰۰	۴۴۲/۰۰۰/۰۰	
۲۶-۸ ژوئن	۵/۲۵۰/۰۰	۲۳/۶۰۰/۰۰۰/۰۰	۴۱/۴۰۰/۰۰۰
۸-۴ جولای	۳/۷۴۰/۰۰	۴۹/۲۰۰/۰۰۰/۰۰	۹۳/۰۰۰/۰۰۰
۱۱-۸ جولای	۲/۰۸۰/۰۰	۸۱/۸۰۰/۰۰۰/۰۰	۱۶۷/۰۰۰/۰۰۰
۱۸-۸ جولای	۱/۰۳۰/۰۰	۱۲۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰

۳۱۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۵۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۵۶۶/۰۰	۲۵-۸ جولای
۹/۶۹۰/۰۰۰/۰۰۰	۶/۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۳/۱۹۰/۰۰	۲۹-۸ اوت
۴۷۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۷۹۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۱۲/۴۰۰/۰۰	۲۶-۸ سپتامبر
۱/۶۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۵۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۱۵/۴۰۰/۰۰	۸-۳ اکتبر
۱۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۲/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۴۵/۹۰۰/۰۰	۱۰-۸ اکتبر
۳۰۰/۰۰۰/۰۰/۰۰/۰۰۰	۱/۰۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۴۹۳/۰۰۰/۰۰	۱۷-۸ اکتبر
۲۶/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۱۵/۶۰۰/۰۰۰/۰۰	۲۴-۸ اکتبر
۳/۸۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۶۹۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۳۱-۸ اکتبر
۵۹۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۴/۸۹۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۱۵/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۷-۸ نوامبر
۸۹/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۵۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۷۹/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰	۱۴-۸ نوامبر

Imara asset Management Zimbabwe and author's calculations

همان‌طور که از جدول پیداست، متأسفانه روند سقوط اقتصاد این کشور نه تنها تا اکتبر ۲۰۰۸ در حال کند شدن نبوده است، بلکه اقدامات نابخردانه و سیاست‌های نادرست اقتصادی سبب شد تا شیب سقوط این کشور چندبرابر شود، به طوری که برای مثال، برای مقابله با افزایش قیمت‌ها، به جای اصلاح سیاست‌ها و تغییر مسیر وضعیت نادرست اقتصادی، موبایل به کنترل قیمت‌ها و ایجاد سقف‌های قیمتی روی آورد. دولت این کشور روی کالاهای اصلی نظیر سبب کشاورزی، نان، ذرت خوراکی، شکر، گوشت، ذخایر اصلی غذایی و کود سقف قیمتی گذارد. کنترل قیمت کالاهای اصلی و غذایی، البته از طریق یارانه‌دهی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی و همچنین دستگیری و مجازات فروشندگان و تاجرانی انجام می‌گرفت که به دستورالعمل‌های دولتی عمل نمی‌کردند. همه این مسائل باعث شد تا امروزه زیمبابوه با کمبود شدید غذا، سوخت و ارز خارجی مواجه باشد، به طوری که سازمان ملل به این کشور کمک غذایی می‌کند (Mail & Guardian, 2009).

در جدول ۴، می‌توان سیر نرخ تورم در این کشور را از سال ۱۹۸۰ تا به حال مشاهده کرد

(بنگرید به: Coltart, 2008).

جدول ۴. شاخص‌های آماری زیمبابوه از زمان استقلال تا امروز

سال	درآمد ناخالص ملی (GNI) میلیارد دلار	نرخ تورم (رسمی)	رشد ناخالص داخلی
۱۹۸۰	۸/۵۵	۷	۱۴/۴
۱۹۸۱	۸/۴۱	۱۴	۱۲/۵
۱۹۸۲	۶/۸	۱۵	۲/۶
۱۹۸۳	۶/۵۹	۱۹	۱/۶
۱۹۸۴	۶/۳۱	۱۰	-۱/۹
۱۹۸۵	۶/۴۷	۱۰	۶/۹
۱۹۸۶	۷/۹۱	۱۵	۲/۱
۱۹۸۷	۸/۴۸	۱۰	۱/۱
۱۹۸۸	۸/۰۵	۸	۷/۵
۱۹۸۹	۷/۶	۱۴	۵/۲
۱۹۹۰	۶/۵۴	۱۷	۷
۱۹۹۱	۶/۰۳	۴۸	۵/۵
۱۹۹۲	۵/۵	۴۰	-۹
۱۹۹۳	۴/۹۴	۲۰	۱/۱
۱۹۹۴	۵/۹۸	۲۵	۹/۲
۱۹۹۵	۶/۵۹	۲۸	۰/۲
۱۹۹۶	۶/۲۶	۱۶	۱۰/۴
۱۹۹۷	۵/۲۷	۲۰	۲/۷
۱۹۹۸	۴/۰۷	۴۸	۲/۹
۱۹۹۹	۳/۴۴	۵۶	-۳/۶
۲۰۰۰	۳/۴۲	۵۵	-۷/۹
۲۰۰۱	۳/۳۷	۱۱۲	-۲/۷
۲۰۰۲	۳/۴۲	۱۹۸	-۴/۴
۲۰۰۳	۳/۱۲	۵۹۸	-۱۰/۴
۲۰۰۴	۲/۵۹	۱۳۲	-۳/۸
۲۰۰۵	۲/۱	۵۸۵	-۵/۳
۲۰۰۶	۱/۷	۱۲۸۱	-۴/۸
۲۰۰۷	۱/۴۸	۶۶۲۱۲	-۵/۷
۲۰۰۸	---	دویست و سی و یک میلیون درصد	-۳/۶

دولت زیمبابوه در سال ۲۰۰۳، هنگامی که تورم در آن کشور یک‌هزارم درصد بود، سه صفر از اسکناس‌های خود را حذف کرد، اما دولت برای مهار کردن تورم کاری انجام نداد و فقط به جنبه روانی حذف صفرها بسنده کرد.

بنابراین، به محض اینکه اثر حذف صفر از میان رفت، تورم مهارناپذیر اقتصاد آن کشور را ویران کرد و دلار زیمبابوه از هم پاشید. هم اکنون، تورم در این کشور آفریقایی از مرز یازده میلیون درصد گذشته و دولت برای برآوردن نیاز شهروندان، ناگزیر از چاپ اسکناس‌های یکصد میلیون دلاری شده است که این اسکناس‌های تازه هم چندان راهگشا نبوده و حتی تنگناهای تازه‌ای در زمینه دادوستدها و حسابداری به بار آورده است و حجم بالای پول برای شهروندان بسیار آزاردهنده است. بدتر از آن اینکه بانک مرکزی زیمبابوه به‌تازگی اعلام کرده است که دیگر کاغذ اسکناس کافی برای چاپ پول مورد نیاز در دست ندارد (Hanke, 2008).

از نشانه‌های سقوط اقتصاد زیمبابوه نه‌تنها نرخ تورم بالای این کشور که در تاریخ بی‌نظیر است و از مدل‌های جالب و البته تأسف‌برانگیز آبرتورم^۱ است، بلکه نرخ بیکاری این کشور است، به‌طوری‌که نرخ بیکاری این کشور در پایان سال ۲۰۰۸ به ۹۴ درصد رسیده است (Mail & Guardian, 2009) که این نرخ هم همچون نرخ تورم این کشور باورنکردنی است.

این مسئله درباره نرخ رشد اقتصادی آن نیز صدق می‌کند. نرخ رشد اقتصادی این کشور پس از سال ۱۹۹۰ همیشه منفی بوده است و یکی از کمترین درصدهای رشد اقتصادی در دنیا محسوب می‌شود. وضعیت آزادی اقتصادی هم در این کشور بسیار ضعیف و وصف‌نشدنی است؛ به‌ویژه، از سال ۲۰۰۰ و پس از برنامه اصلاح ارزی موگابه، آزادی‌های اقتصادی در این کشور بسیار ضعیف شد و متعاقب آن وضعیت اقتصادی هم رو به وخامت نهاد، به‌طوری‌که امروزه آزادی‌های اقتصادی این کشور که از سوی بنیاد هریتیج برابر ۲۲/۷ ارزیابی شده است، رتبه ۱۷۸ را در میان کشورهای مختلف به این کشور اختصاص داده است. این کشور در میان ۴۲ کشور آفریقایی رتبه ۴۲ را دارد.

همچنین، مخارج دولت ۵۶/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را دربرمی‌گیرد که البته بخش اعظم این مخارج از طریق چاپ پول و قرض گرفتن دولت از بانک مرکزی تأمین می‌شود که مهم‌ترین دلیل آبرتورم در این کشور را تشکیل می‌دهد. حجم یارانه‌های پرداختی نیز در این اقتصاد بسیار بالاست، نرخ تعرفه‌ها و مالیات‌ها بالاست، موانع غیرتعرفه‌ای بسیاری وجود دارد و قوانین و مقررات دولتی بسیار مشکل‌ساز و گسترده است. همچنین، بنیاد هریتیج نرخ فساد اداری در این کشور را بسیار بالا ارزیابی کرده و در رتبه‌بندی شاخص فساد (CPI) این کشور در رتبه ۱۵۴ در میان ۱۷۹ کشور در سال ۲۰۰۷ جای گرفته است و این بدان معناست که یکی از فاسدترین اقتصادهای دنیا را دارد (بنیاد هریتیج به نقل از الحسینی و...).

بر اساس گزارش دولت زیمبابوه در سال ۲۰۰۸، ۸۰ درصد از مردم در فقر مطلق زندگی می‌کردند. درآمد آن‌ها در هر ماه برابر با ۱۳ هزار میلیارد دلار زیمبابوه بود که با توجه به

1. hyperinflation.

متوسط نرخ برابری ارز در سال گذشته معادل ۴۱ دلار آمریکا می‌شد. البته افرادی که در فقر مطلق زندگی می‌کردند ۳۰ درصد از جامعه زیمبابوه را تشکیل می‌دادند که مجموع درآمد آن‌ها در هر ماه برابر با ۱۰۰ میلیارد دلار زیمبابوه بود. ۱۰۰ میلیارد دلار زیمبابوه در سال گذشته میلادی معادل ۳۰ سنت آمریکا ارزش داشت (Drapper & Freytag, 2009).

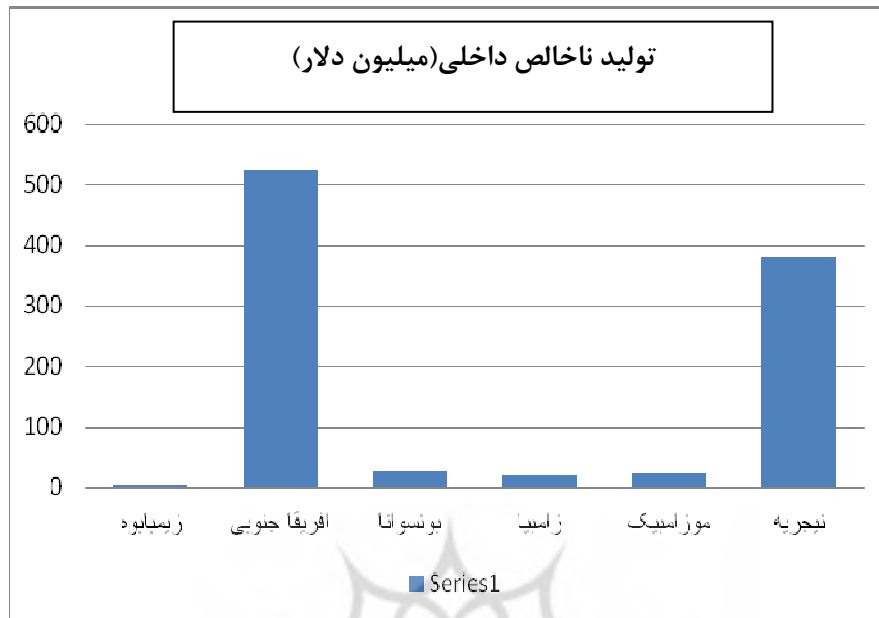
تأثیر سیاست‌های تصدی‌گرایانه در شاخص‌های توسعه اقتصادی

همان‌طور که مشاهده شد، اعمال سیاست‌های تصدی‌گرایانه در دولت موگابه در زیمبابوه موجب شد تا نه تنها این کشور به توسعه اقتصادی-اجتماعی دست نیابد، بلکه همان میزان توسعه‌ای که داشت را نیز از دست بدهد. بررسی شاخص‌های توسعه در این کشور به‌طور کامل این موضوع را تأیید می‌کند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت. بررسی این شاخص‌ها می‌تواند هم سطح واقعی توسعه این کشور و هم تأثیر عینی سیاست‌های تصدی‌گرایانه را در حوزه اقتصاد نشان دهد.

تولید ناخالص ملی و درآمد ملی سرانه

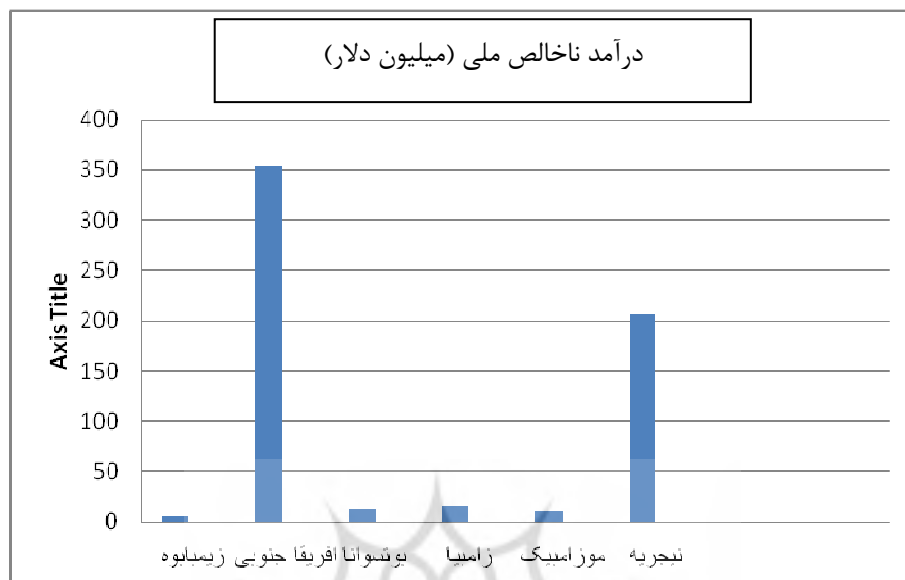
محصول ناخالص ملی (GNP) عبارت است از مجموع ارزش کالاها و خدمات تولیدشده نهایی در جامعه طی یک سال معین. این شاخص برجسته‌ترین متغیر نشان‌دهنده وضعیت کلان اقتصادی است. بر این اساس، درآمد ملی (NI) عبارت است از ارزش نهایی کلیه کالاها و خدمات تولیدشده در کشور طی یک سال مالی که سنجش آن از طریق درآمد عوامل تولید یا پرداخت‌هایی است که به عوامل مختلف درگیر در کشور تعلق می‌گیرد. شاخص درآمد ملی سرانه نیز از تقسیم شاخص فوق بر جمعیت کشور تعیین می‌شود. بر اساس شاخص فوق، بانک جهانی از لحاظ سطح درآمدی، کشورها را به چهار گروه کشورهای با دارای درآمد پایین، با درآمد متوسط رو به پایین، با درآمد متوسط رو به بالا، و با درآمد بالا تقسیم‌بندی کرده است.

زیمبابوه با تولید ناخالص داخلی ۵۴۹ دلار رتبه ۱۶۳ جهان و با درآمد سرانه سالیانه ۴۶۰ دلار رتبه ۱۶۱ جهان را به خود اختصاص داده است. این شاخص جزء ضعیف‌ترین نمودهای زیمبابوه در شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود. در این قسمت، سعی شده است تا مقایسه‌ای بین زیمبابوه و کشورهای همسایه آن از لحاظ شاخص‌های توسعه، تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص ملی، و درآمد سالیانه سرانه صورت گیرد.



شکل ۱. تولید ناخالص داخلی زیمبابوه و برخی کشورهای آفریقایی (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۰)

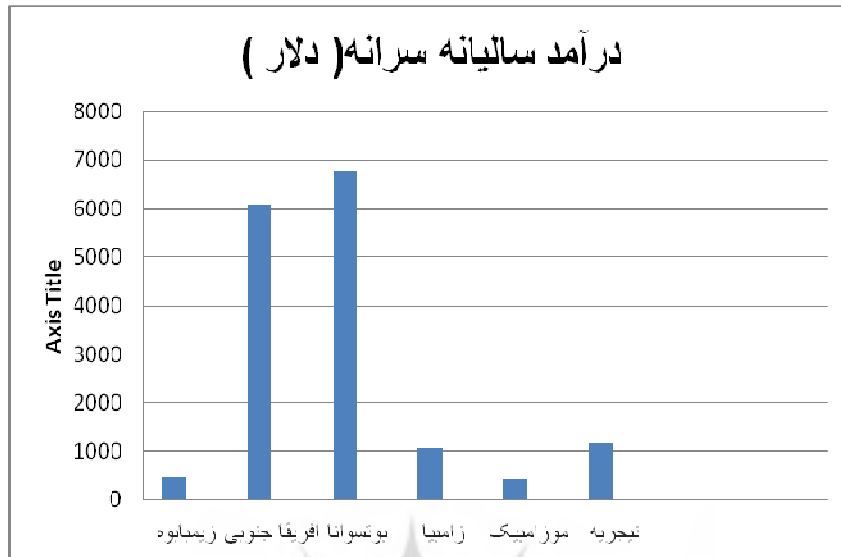
با توجه به نمودار بالا می‌بینیم زیمبابوه با ۵۲۵.۸۰۶ میلیون دلار کمترین تولید ناخالص داخلی را در میان کشورهای همسایه داشته است. کشورهای بوتسوانا، زامبیا و موزامبیک تاحدودی آماری شبیه به هم داشته‌اند، به طوری که تولید ناخالص داخلی بوتسوانا، زامبیا و موزامبیک به ترتیب ۲۷.۸۰۲؛ ۲۰.۱۰۱؛ و ۲۱.۸۳۵ میلیون دلار است. در میان این کشورها آفریقای جنوبی نسبت به همسایگان خود وضعیت بسیار بهتری داشته و با تولید ناخالص داخلی ۵۲۵.۸۰۶ میلیون دلار بالاترین تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است بعد از آفریقای جنوبی، نیجریه با تولید ناخالص داخلی ۳۸۰.۲۲۶ میلیون بالاترین تولید ناخالص داخلی را در این میان دارد.



شکل ۲. درآمد ناخالص ملی زیمبابوه و برخی کشورهای آفریقایی (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۰)

بر اساس آمار به‌دست‌آمده از صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۰، زیمبابوه نسبت به کشورهای همسایه خود پایین‌ترین درآمد ناخالص ملی (۵۵۴۷ میلیون دلار) را به خود اختصاص داده است.

جالب توجه است که کشورهای بوتسوانا، زامبیا، و موزامبیک نیز با فاصله کمی نسبت به هم در یک راستا حرکت می‌کنند و شرایط برابری دارند، به‌طوری‌که درآمد ناخالص ملی بوتسوانا، زامبیا، و موزامبیک به‌ترتیب ۱۲۵۰۱، ۱۵۶۹۱ و ۱۰۲۱۲ میلیون دلار است. در این میان، آفریقای جنوبی وضعیت بسیار خوبی را نسبت به سایر کشورها دارد، به‌طوری‌که با درآمد ناخالص ملی ۳۵۴۴۱۴ میلیون دلار بالاترین جایگاه را داراست. نیجریه نیز بعد از آفریقای جنوبی با تولید ناخالص ملی ۲۰۶۶۶۴ میلیون دلار در مقام دوم است.

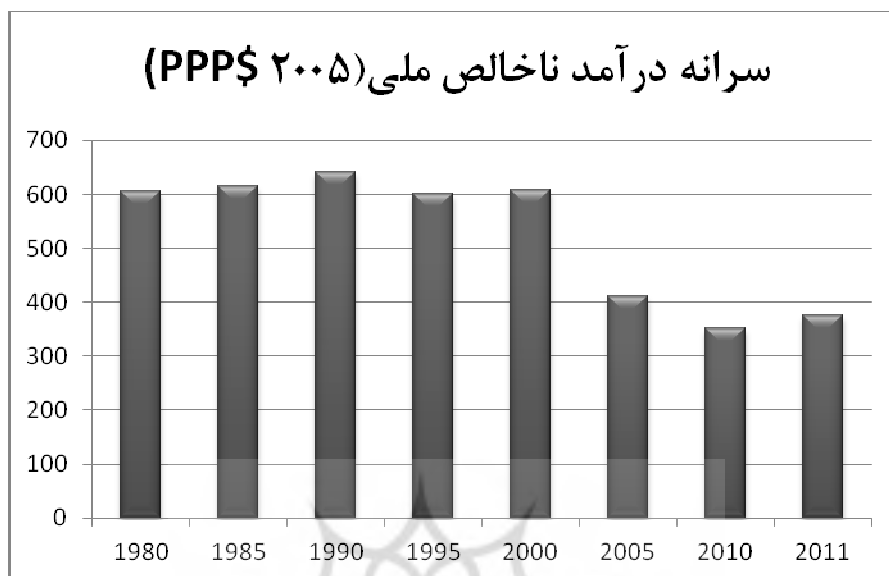


شکل ۳. (سایت اطلاعات و دانستنی‌های ایران و جهان به نقل از بانک جهانی، ۲۰۱۱)

با نگاهی گذرا به این نمودار نیز درمی‌یابیم که وضعیت زیمبابوه در این شاخص نیز مطلوب نیست، به طوری که با درآمد سالیانه سرانه ۴۶۰ دلار در میان کشورهای مورد بحث جایگاه پنجم را به خود اختصاص داده است.

زامبیا و نیجریه با فاصله کمی از هم در یک راسا پیش می‌روند، به طوری که زامبیا درآمد سالیانه سرانه ۱۰۷۱ دلار و نیجریه درآمد سالیانه سرانه ۱۱۸۰ دلار را دارند. نکته قابل توجه در این نمودار پیشی گرفتن بوتسوانا در این شاخص نسبت به سایر کشورهاست، به طوری که با درآمد سالیانه سرانه ۶۷۹۰ دلار جایگاه اول را به خود اختصاص داده است. آفریقای جنوبی نیز با فاصله‌ای کم (درآمد سالیانه سرانه ۶۰۹۰ دلار) نسبت به این کشور در جایگاه دوم است. شایان ذکر است موزامبیق با درآمد سالیانه سرانه ۴۴۰ دلار در میان کشورهای یادشده جایگاه آخر را کسب کرده است.

در همین رابطه، سرانه درآمد ناخالص ملی را می‌توان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در هر کشوری به شمار آورد.



شکل ۴. سرانه درآمد ناخالص ملی زیمبابوه طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

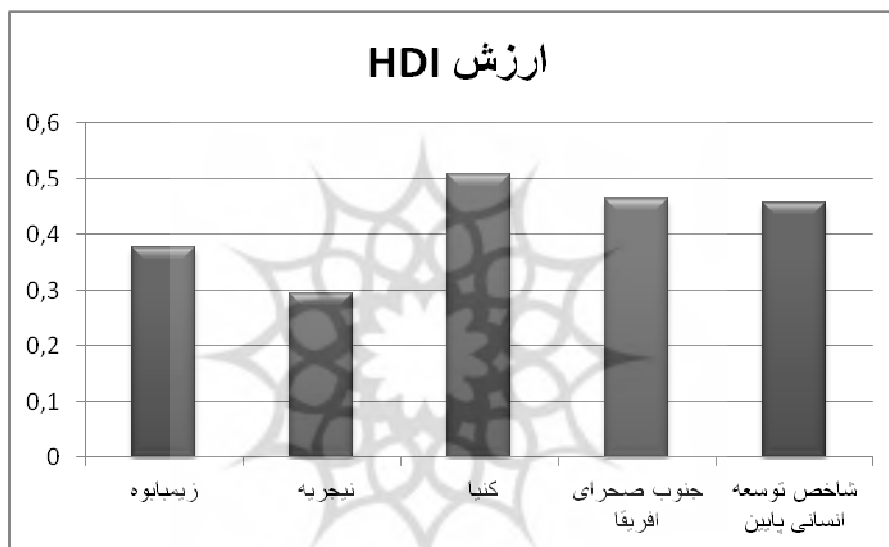
آمارهای به‌دست‌آمده از سرانه درآمد ناخالص ملی زیمبابوه طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که سرانه درآمد ناخالص ملی زیمبابوه در سال‌های آغازین پس از انقلاب روند متعادلی داشته است، اما از سال ۲۰۰۰ با آغاز سیاست‌های اصلاحات ارزی رابرت موگابه شاهد سقوط شدیدی در درآمد ناخالص ملی زیمبابوه هستیم، به طوری که در سال ۲۰۱۰ درآمد سرانه زیمبابوه به پایین‌ترین حد خود رسیده است.

شاخص توسعه انسانی (HDI)

ارزش عددی شاخص توسعه انسانی هر کشور مؤلفه‌هایی دارد که عبارتند از: توان برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامت، توان معرفت‌اندوزی و کسب علم، توان دسترسی به منابع و امکانات لازم برای برخورداری از زندگی مناسب. شاخص توسعه انسانی میانگین وزنی ساده از سه شاخص مذکور است. دامنه این شاخص بین عدد یک (حداکثر) و صفر (حداقل) تغییر می‌کند. کشورهای با HDI برابر با ۰/۸ و بیشتر به‌عنوان کشورهای با توسعه انسانی بالا، کشورهای با HDI برابر با ۰/۵ تا ۰/۸ به‌عنوان کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با شاخص کمتر از ۰/۵ به‌عنوان کشورهای با توسعه انسانی پایین طبقه‌بندی می‌شوند.

در بخش ارزش HDI، زیمبابوه نسبت به کشورهای با توسعه انسانی پایین، یعنی کنیا و جنوب صحرائی آفریقا، در سطح پایین‌تری قرار گرفته است. کنیا در این قسمت رشد خوبی را نسبت به سایر کشورهای مورد نظر از خود نشان داده است و با شاخص ۰/۵۰۹ بالاترین ارزش HDI را دارد؛ درحالی‌که نیجریه با شاخص ۰/۲۹۵ پایین‌ترین رتبه را نسبت به سایر کشورهای مورد نظر از خود نشان داده است.

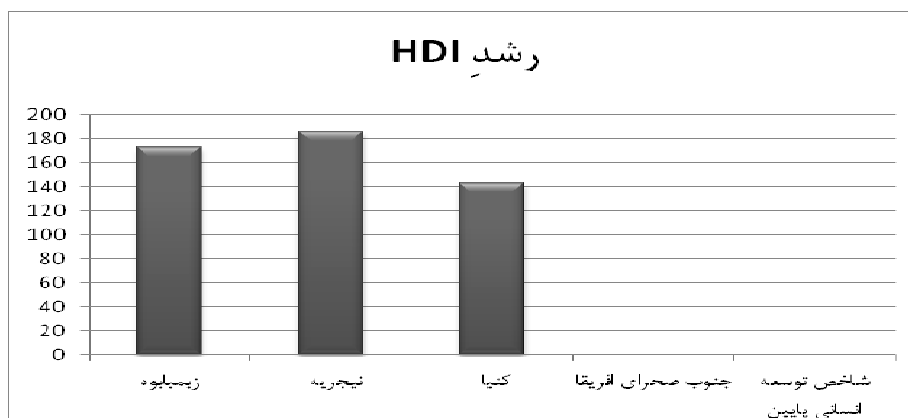
در نمودار زیر مقایسه‌ای اجمالی میان زیمبابوه و کشورهای مورد بحث از حیث ارزش HDI و عوامل مؤثر بر توسعه صورت گرفته است.



شکل ۵. مقایسه زیمبابوه با برخی کشورها از حیث ارزش HDI و عوامل مؤثر بر توسعه

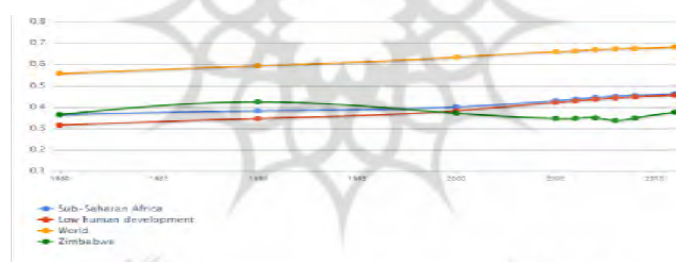
(<http://www.undp.org>)

در بخش رشد HDI، زیمبابوه نسبت به سایر کشورهای مورد نظر وضعیت قابل قبولی را از خود نشان داده به طوری‌که پس از نیجریه در جایگاه دوم است. شایان ذکر است در این بخش اطلاعاتی از کشورهای جنوب صحرائی آفریقا و کشورهای با توسعه پایین در دست نیست.



شکل ۶. مقایسه رشد HDI زیمبابوه با برخی کشورها <http://www.undp.org>

در نمودار زیر، زیمبابوه از لحاظ شاخص توسعه انسانی (HDI) با کشورهای جهان، کشورهای با توسعه پایین و کشورهای صحرای آفریقا از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۰ مقایسه شده است. در این نمودار نشان داده شده است که از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۰ زیمبابوه از لحاظ شاخص توسعه انسانی رو به پیشرفت بوده و سیر صعودی داشته است.



شکل ۷. روند شاخص توسعه انسانی طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ (<http://www.undp.org>)

در این سال‌ها نسبت به شاخص جهانی فاصله زیادی داشت، اما نسبت به کشورهای توسعه انسانی پایین و صحرای آفریقا روند بهتری را پیش روی خود داشته است. با این حال، از سال ۱۹۹۰ به تدریج روند نزولی پیدا کرد و در سال ۲۰۰۰ با اجرا شدن سیاست اصلاحات ارزی موگابه به پایین‌ترین میزان خود رسید، به طوری که نه تنها فاصله بسیار زیادی با نمودار جهانی پیدا کرد، بلکه از کشورهای با توسعه انسانی پایین و کشورهای صحرای آفریقا نیز پایین‌تر آمد، به طوری که این کشورها (کشورهای با توسعه پایین و کشورهای صحرای آفریقا) طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ سیر صعودی داشته اند، اما زیمبابوه همچنان روند نزولی خود را

ادامه داد، به گونه‌ای که در این چند سال اخیر جزء ضعیف‌ترین کشورها در شاخص توسعه انسانی (HDI) به شمار آمده است. زیمبابوه با شاخص ۰/۱۴۰ در HDI رتبه ۱۶۹ یعنی رتبه آخر جهان را به خود اختصاص داده است که جزء کشورهای توسعه انسانی پایین به شمار می‌رود.

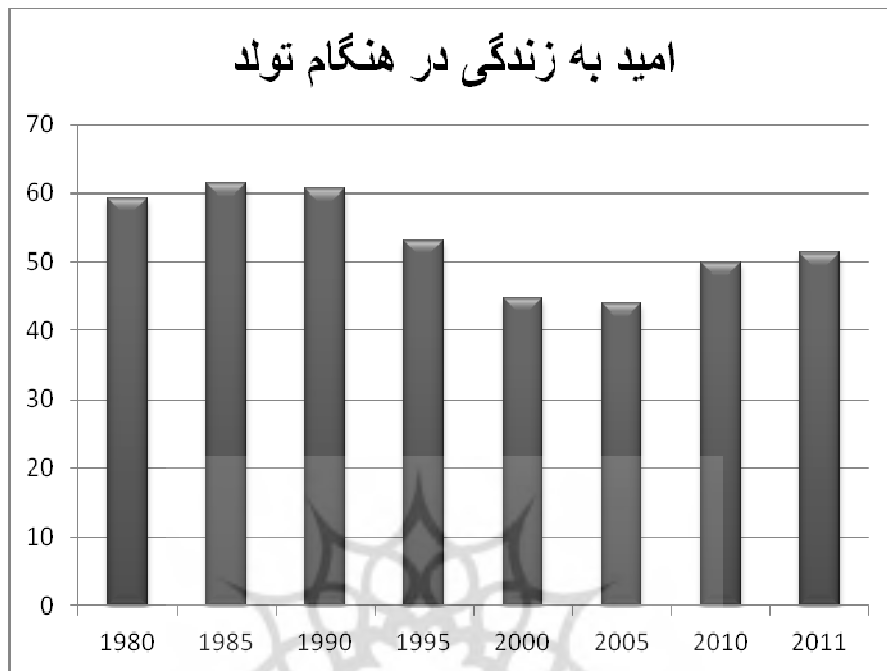
دسترسی به آموزش عمومی و بهداشت همگانی

یکی از شاخص‌های مهم در سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها، گسترش امکانات آموزشی و دسترسی آسان و رایگان آحاد جمعیت کشورها به امکانات مذکور است؛ زیرا این شاخص‌ها، میزان توجه دولت‌ها به سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی را به‌عنوان مهم‌ترین محرک رشد و توسعه اقتصادی منعکس می‌سازد. شاخص‌هایی همچون بهبود نرخ ثبت‌نام دانش‌آموزان، افزایش نرخ باسوادی، افزایش نرخ ثبت‌نام دختران در مدارس یا سهم مخارج آموزش و پرورش از کل تولید ناخالص داخلی از نمونه‌های سنجش توسعه بخش آموزش یک کشور هستند. از سوی دیگر، دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی نیز یکی از شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی و میزان توسعه‌یافتگی کشورهاست.

زیمبابوه با شاخص ۸۹۲/۳ در زمینه بهداشت رتبه ۱۱۰ جهان را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است در سال ۲۰۰۳، ۳۳/۷ درصد افراد بالغ زیمبابوه به ایدز مبتلا بودند که ۶۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند. در این زمینه می‌توان به شاخص امید به زندگی اشاره کرد.

در شکل ۸، شاخص امید به زندگی زیمبابوه طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ را می‌توان مشاهده کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۸ شاخص امید به زندگی در زیمبابوه (<http://www.undp.org>)

با توجه به نمودار ارائه شده می‌توان دریافت که وضعیت زیمبابوه از لحاظ شاخص امید به زندگی مطلوب نیست، به طوری که از سال ۱۹۹۰ شاهد روند نزولی در این شاخص هستیم که این شاخص در سال ۲۰۰۵ به پایین‌ترین حد خود می‌رسد. از سال ۲۰۰۵، ما شاهد رشد بسیار کمی در این شاخص هستیم، به گونه‌ای که امید به زندگی در زیمبابوه در سال ۲۰۱۱ به شاخص ۵۱/۴ می‌رسد.

تمرکززدایی و مشارکت

تمرکززدایی به معنای واگذاری بخشی از امور به مناطق، کاهش فعالیت‌های دولتی و سپردن آن به بخش خصوصی به منظور افزایش کارایی از طریق مشارکت مردمی در فضایی رقابتی، در توسعه اقتصادی اهمیت ویژه‌ای یافته است. در این زمینه، زیمبابوه با بیکاری ۹۴ درصدی در عمل عاری از مشارکت مردمی است، فضای رقابتی در آن کمرنگ شده است و بخش خصوصی جایگاه ویژه‌ای در این کشور ندارد. زیمبابوه در سال ۲۰۱۰، دومین کشور فقیر جهان بوده است.

در همین راستا، می‌توان به موضوع مشارکت زنان در حوزه عمومی اشاره کرد. بر اساس تعاریف موجود از توسعه، هرچه حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی بیشتر باشد، جامعه توسعه‌یافته‌تر است. در جوامع توسعه‌نیافته، نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند که بیشتر آن‌ها بیکارند و بدین ترتیب نیروی انسانی در این کشورها به نصف کاهش یافته است. در این زمینه، زیمبابوه با شاخص ۰/۴۹۷ رتبه ۱۱۸ جهان را به خود اختصاص داده است.

شاخص برابری قدرت خرید

در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور در قیمت جهانی آن کالاها ضرب و پس از تعدیلات لازم تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آن‌ها محاسبه می‌شود. زیمبابوه در قاره آفریقا از بین ۵۲ کشور رتبه ۳۹ و در جهان از بین ۱۸۳ کشور رتبه ۱۵۲ را با شاخص ۵/۴۵۷ به خود اختصاص داده است.

شاخص درآمد پایدار (GNS-SSI)

در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌شود نیز در حساب‌های ملی منظور شده (چه به‌عنوان خسارت و چه به‌عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه به دست می‌آید. زیمبابوه جایگاه ۹۴ جهان را دارد و جایگاه بدهکارترین کشور دنیا را به خود اختصاص داده است.

نتیجه

در این مقاله کوشیدیم با تمرکز بر زیمبابوه به بررسی تأثیر و نقش سیاست‌های تصدی‌گرایانه در مسئله توسعه اقتصادی بپردازیم. زیمبابوه از جمله کشورهایی است که پس از انقلاب سعی کرد با استفاده از سیاست‌های تصدی‌گرایانه که با رنگ و بوی مارکسیسم درآمیخته شده بود، به توسعه اقتصادی دست یابد و خود را به کشوری مقتدر در سطح منطقه مبدل سازد. اما، چنان‌که دیدیم، رابرت موگابه و گروه اتحاد ملی آفریقایی زیمبابوه نه تنها اقتصاد را با تورم حاد، فقر، و قحطی مواجه کردند، بلکه مدیریت اجرایی کشور را نیز بسیار ضعیف کردند. آخرین نمود آن بحران وباست که بنا بر شایعات موجود ۸۰۰۰۰۰۰ نفر را در سال گذشته مبتلا کرده و به سرعت نیز در حال گسترش به کشورهای همسایه است (محمدصادق الحسینی، پریسا آفاکثیری، ۲۰۱۲). درحالی‌که شاخص‌های توسعه اقتصادی کشور زیمبابوه در سال ۱۹۸۰ عبارت بود از: درآمد ناخالص ملی (GNI) در حدود ۸ میلیارد و پانصد میلیون دلار آمریکا، تورم ۷

درصد، رشد اقتصادی ۱۴ درصد و زیرساخت‌هایی توسعه‌یافته. این شاخص‌ها در سال ۲۰۰۸ وضعیتی معکوس داشتند: درآمد ناخالص ملی برابر با ۲ میلیارد دلار، تورم ۲۳۱ میلیون درصد (Kadzare, 2008)، رشد اقتصادی منفی ۳/۶ درصد، نرخ بیکاری بیش از ۹۴ درصد، تولید سرانه داخلی فقط ۵۰۰ دلار، اقتصاد و جامعه ویران و فروپاشیده. تنها تفاوت در این دوران نسبت به قبل وجود ارتشی قدرتمند بود که با هر مخالفتی مقابله می‌کرد. این امر ناشی از سیاست‌های تصدی‌گرایانه و دولت‌گرایانه بود که به گونه‌ای سطحی با ایدئولوژی سوسیالیستی-مارکسیستی آمیخته شده بود.

این در حالی است که کشورهای همسایه زیمبابوه، همانند آفریقای جنوبی و بوتسوانا توانستند در همین مدت با تاریخی به‌نسبت مشابه و وقایعی یکسان با زیمبابوه، اقتصاد خود را به پیش ببرند و به جرگه کشورهای توسعه‌یافته وارد شوند، فقر و فلاکت را کاهش دهند، و رفاه و آسایش را برای مردم خود به ارمغان آورند. به‌ویژه، مقایسه زیمبابوه با آفریقای جنوبی و موگابه با ماندلا بسیار عبرت‌آموز است. در این دوره، درحالی‌که آفریقای جنوبی با سیاست‌های لیبرالیستی و با تکیه بر علم اقتصاد، درآمد ناخالص ملی خود را چهار برابر افزایش داد، درآمد ناخالص داخلی زیمبابوه به یک چهارم کاهش یافت. در راستای سیاست‌های پولی انبساطی، زیمبابوه تا به حال سه مرتبه صفرهای جلوی اسکناس‌های خود را حذف کرده است، اما همگان می‌دانند که بدون اصلاح سیاست‌های نادرست اقتصادی، حذف صفر از اسکناس‌ها مشکلی را حل نمی‌کند. این سیاست‌های نادرست تا جایی ادامه یافت که وزیر اقتصاد این کشور مجبور شد پول این کشور را به‌طور رسمی تعلیق کند. در همین راستا، بانک مرکزی اعلام کرده است که دیگر کاغذ کافی برای نشر پول مورد نیاز در دست ندارد (کیان‌پور و روحانی‌منش، ۱۳۹۰). جالب آنکه تمام این اقدامات نابخردانه در راستای دغدغه استقلال‌خواهی و استقلال‌طلبی صورت گرفته است. این اقدامات و سیاست‌ها که معطوف به تصدی‌گرایی و دخالت روزافزون دولت در اقتصاد بود، تأثیر به‌سزایی در شاخص‌های اقتصاد گذاشت. شاید نتیجه و حاصل نهایی این سیاست را بتوان در توضیح موگابه درباره اقتصاد دریافت: «یادتان باشد قرار نیست پس از شما کسی در این سرزمین زندگی کند، کشورهای دیگری هم برای زندگی هستند، اینجا درآمد داشته باشید و در سوئیس خرج کنید (اقتصاد زیمبابوه؛ شوخی قرن).

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. تافلر، الوین (۱۳۷۰)، در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، خوارزمی.
۲. کیان‌پور سعید و پریسا روحانی‌منش (۱۳۹۰)، بایدها و نبایدهای حذف صفر پول در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸۶.

۳. طیبیان، محمد، تورم هزار درصدی، سایت رستاک.
 ۴. محمدصادق الحسینی، پریسا آفاکتیری (۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲)، پول ملی زیمبابوه چگونه نابود شد؟ دنیای اقتصاد.

ب) خارجی

5. Coltart, David (March 24, 2008). "A Decade of Suffering in Zimbabwe: Economic.
6. Draper, Peter and Andreas Freytag (2009), What future for monetary policy in Zimbabwe? VOXEU.
7. Hanke, Steve (2009), R.I.P. Zimbabwe Dollar, the Cato Institute.
8. Hanke, Steve (June 25, 2008). "Zimbabwe: From Hyperinflation to Growth," Development Policy Analysis no. 6.
9. Kadzere, Martin (2008-10-09). "Zimbabwe: Inflation Soars to 231 Million Percent", allAfrica.com.
10. Mail & Guardian (30 January 2009), "Zim unemployment skyrockets". Mail & Guardian.
11. Myrdal, G.(1975) , Economic Theory and Underdeveloped Regi-ons The Macmillan Press LTD. London.
12. Schumpeter, J.A (1934). The Theory of Economic Development.
13. Smith, Ian Douglas (2008), Bitter Harvest: Zimbabwe and the Aftermath of its Independence.

اینترنتی

14. <http://www.undp.org>
15. <http://www.IMF.org>
16. <http://www.worldbank.org>
17. <http://www.fingaz.co.zw>
18. <http://www.Rastak.com>
19. <http://en.wikipedia.org/wiki/Zimbabwe>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی